

زیر آسمان فیروزهای

آدمی که انگار متعلق به هیچ جانیست

● **شادی قدیریان:**ایده برگزاری این نمایشگاه و مطرح شدن و پیشنهاد حضور در جمع دوستان دو، سه سال گذشته توسط علی عظیمی به من در میان گذاشته شد؛ اینکه تمایل دارند در این نمایشگاه از حوزه عکاسی هم اثری در ارتباط با سهراب سپهری نمایش داده شود. قطعاً برخی از عکاسانی که در این نمایشگاه حضور دارند برحسب سابقه کاری‌شان پرتره‌هایی از سهراب سپهری ارائه دادند، اما من چنین سابقه و فریم‌هایی نداشتم. بنابراین تصمیم گرفتم مفهومی از یکی از آثار سهراب سپهری را ارائه بدهم. برحسب همین موضوع بر اساس شهر پشت هیچستان فریمی آماده کردم. در حقیقت این عکس هیچ کدی به مخاطب نمی‌دهد. یک فضای لانگ‌شات می‌بینیم که صخره‌ای وسط کادر دیده می‌شود و همه‌المان‌های این فریم ساختگی است و یک هیچستان کامل است. در بخشی از این فریم شبه‌آدمی را می‌بینیم که تنها از تصویرش متوجه می‌شویم که آن مرد است، اما از المان‌های دیگر این انسان کدی به مخاطب نمی‌دهد؛ مثل اینکه چه پوشیده یا هر تعریف دیگری. من به دلیل تعلق‌خاطری که به این شعر داشتم تصمیم گرفتم روی آن کار کنم. در حقیقت تصویر سهراب سپهری برای من این‌طور است؛ آدمی که انگار متعلق به هیچ جا نیست. با اینکه کدهایی از زیستش در اشعارش دیده می‌شود، اما انگار به هیچ‌کجا تعلق‌خاطر نداشته است. متأسفانه با کلیت برگزاری این نمایشگاه و آثار به‌نمایش‌درآمده از آن اطلاعات زیادی ندارم، اما قطعاً حضور و مشارکت بسیاری از هنرمندان توانسته به مفهوم برگزاری آن کمک کند و قطعاً باید منتظر بازخوردهای این نمایشگاه بود.

چشم عادت را باید شست

● **محمدعلی سجادی:** حضور در این نمایشگاه و پرداختن به سوژه‌ای که علاقه‌مند پیگیری‌اش بودم، برآیم بسیار لذت‌بخش بود. در ابتدا ساخت فیلمی بر اساس زندگی و آثار سهراب سپهری مدنظر بود که پرونده این بخش همچنان باز است و ساخت این فیلم شرایط تولیدی و مالی خودش را طلب می‌کند و قطعاً به محض نهایی‌شدن این اتفاقات ساخت این فیلم قطعاً یکی از موضوعات موردعلاقه من است. اما حضورم در این نمایشگاه با سه پرتره همراه است و این آثار تماماً حاصل دریافت‌های من از آثار و شخصیت‌های سهراب سپهری است. بخشی از دریافت‌های ما درباره این شخصیت به جهان آبی و درخت و جهان آرمانی او مربوط می‌شود؛ جهانی که رؤیاگونه ساخته شده است و در حقیقت سهراب سپهری‌ای که دوست داریم. اما بخش دیگری از سهراب سپهری در ذهن من جهان مضطربی است که در آثارش می‌بینم. کتاب «هنوز در سفرم» سپهری کاملاً این حس را به من منتقل می‌کند. این کتاب بازتاب جهان وارونه خودش است و در دو تابلویی که از من در این نمایشگاه حضور دارد به‌نوعی این جهان تصویر شده. قطعاً بخشی از کار یک هنرمند مکاشفه در لایه‌های دیگر شخصیت است و دریافت‌هایی که از آثار او به دست می‌آید و در مورد سهراب سپهری این دریافت برای من به این شکل متولد شد، هرچند باید اضافه کنم که سهراب سپهری از اینکه چشم عادت را باید شست حرف می‌زند و خوب است که به‌عنوان مخاطب آثارش به این جمله عمل کنیم و تنها بعدی از آثار و شخصیت او را نبینیم. قطعاً تلاش‌هایی که برای برگزاری این نمایشگاه شده به این دلیل است که از وجوه مختلفی با آثار و شخصیت این هنرمند آشنا شویم و خوشحالم که چنین اتفاقی در جریان است.

گروه هنر: در ۹۰ سالگی سهراب سپهری، نقاش و شاعر، یک نمایشگاه درباره این هنرمند نامی کشور شکل گرفته است. در این نمایشگاه که به نام «من سهراب سپهری» در موزه گالری دیدی در حال برگزاری است، ۹۰ هنرمند نامدار کشورمان یک اثر هنری را ارائه کرده‌اند.

وحدانی، مدیر روابط‌عمومی این پروژه به «شرق» گفت: پروژه بزرگ من سهراب سپهری از هشت سال پیش به همت و تهیه‌کنندگی علیرضا عزیزی شکل گرفته و امسال به مناسبت نودمین زادروز سهراب سپهری در حال برگزارشدن است که خوشبختانه هنرمندان زیادی در این پروژه حضور یافته‌اند.

نامی ماندگار

نام سهراب سپهری سال‌ها بعد از درگذشتش، همچنان در فضای هنری امروز ایران طنین‌انداز است. موزه گالری «دیدی» در ایزدشهر مازندران این‌روزها میزبان نمایشگاه گروهی شامل ۹۰ اثر از نقاشان، عکاسان و هنرمندان عرصه تجسمی درباره این شاعر و نقاش بلندآوازه ایرانی شده است؛ نمایشگاهی که در آن آثاری از آیدین آغداشلو، غلامحسین نامی، بهرام دبیری، کامبیز درمبخش، علی‌اکبر صادقی، منوچهر معتبر، کریم امامی، محمد احصایی، حسین محجوبی، شادی قدیریان، بزرگمهر حسین‌پور، حسن روح‌الامینی، محمدعلی سجادی، منوچهر نیازز، سعید نقاشیان، کوشا موسوی و... به چشم می‌خورد. این نمایشگاه بخشی از پروژه بزرگ «من سهراب سپهری» است که هم‌زمان با افتتاح آن دست‌اندرکارانش در نشستی خبری درباره این رویداد هنری، فرهنگی توضیحاتی دادند. مسئول بخش تجسمی ستاد بزرگداشت سهراب سپهری، دکتر مهدی حسینی، چهره آشنای آموزش و نقاشی در ایران است. حسینی درباره چگونگی جمع‌آوری ۹۰ اثر از هنرمندان پیش‌گسوت و جوان در کنار هم می‌گوید: «در پربایی این‌گونه مجموعه‌ها، نوع، تکرر و تفاوت قابل‌ملاحظه‌ای از منظر فرم، فضا و بیان در آثار مشاهده می‌شود. این ویژگی‌ها منحصر به این نمایشگاه، بلکه خصوصیت اغلب این مجموعه‌هاست». این نقاش و استاد دانشگاه درباره گرایش هنری هنرمندان حاضر در این نمایشگاه می‌افزاید: «در این مجموعه برخی از هنرمندان در قالب فیگوراتیو و عکاسی، تعدادی به شیوه انتزاعی و در مواردی حتی به صورت هندسی به یاد سهراب سپهری نقش آفرینی کرده‌اند. برخی نیز صرفاً به واسطه علاقه و عرق بی‌شائبه‌ای که نسبت به سهراب داشته‌اند تنها به بازآفرینی چهره سهراب در قالب طراحی و نقاشی اکتفا کرده‌اند. در هر صورت در دنیای مدرن که تکرر آرا و اندیشه نقشی اساسی و بنیادین در بیان تصویری دارند طبیعی است که نمایش آثار، چنین شکل متوعی به خود بگیرد و این ویژگی این نمایشگاه و این رخداد بزرگ به یاد نقاش و شاعر عارف کشورمان سهراب سپهری است».

پروژه «من سهراب سپهری» را می‌توان بزرگ‌ترین مجموعه فرهنگی این سال‌ها که حول یک چهره شکل گرفته، توصیف کرد؛ مجموعه‌ای که قرار است فارغ از آن مرز شاعر و نقاش، تصویرگر سهراب سپهری، چنان‌که بوده، باشد. به گفته خسرو نقیبی، عضو هیئت علمی پروژه، مجموعه «من سهراب سپهری» در قالب یک شش‌وجهی است؛ شامل

در ۹۰ سالگی نقاش و شاعر برگزار می‌شود

سهراب سال‌ها از هیچستان گفت



یک فیلم سینمایی، کتاب‌هایی که زندگی و آثار او را در هر دو عرصه حرفه‌ای‌اش گذر آورده، چندین فیلم مستند که زندگی سپهری را بدون ممیزی پیش چشم مخاطبان می‌گذارد، قطعاتی از آوازه‌خوانان و آهنگ‌سازان نامی ایران با استفاده از اشعار سهراب، کتاب‌هایی صوتی با شکل خوانش درست اشعار او- که در این سال‌ها کم به غلط خوانده نشده- و در آخر، روایت هنرمندان معاصر ایرانی از سهراب سپهری در قالب تابلو، اثر هنری و... آن‌گونه که او را شناخته‌اند یا از او تأثیر گرفته‌اند. این مجموعه سترک، حاصل تلاش سالیانی چند از زندگی علیرضا عزیزی (مدیر پروژه) است که به گفته نقیبی، برای به‌سرانجام‌رسیدن این مجموعه بزرگ، از جان مایه گذاشته است. علیرضا نادری ناشر است و دو مؤسسه فرهنگی نشر توفیق آفرین و فرهیختگان عصر هنر در ایران و یک مؤسسه فرهنگی، هنری را نیز در نیویورک اداره می‌کند.

در مراسم رونمایی از این گنجینه در موزه گالری «دیدی»، چهره‌های فرهنگی، هنری زیادی حضور داشتند؛ از جمله پرویز تناولی، علی توسلی، منوچهر نیازز، گلی امامی، پوری بنایی، آریا عظیمی‌نژاد، خانواده سهراب سپهری و اعضای ستاد مرکزی و شورای علمی بزرگداشت سهراب سپهری. یکی از بخش‌های جالب این مراسم، رونمایی از تندیس مومی سپهری، اثر حمید کنگرانی بود که در ابعاد واقعی او ساخته شده است.

در ابتدای این مراسم، سیدغلامرضا کاظمی‌دیان، عضو ستاد مرکزی بزرگداشت سهراب سپهری که به نمایندگی از دیگر اعضای ستاد مرکزی؛ یعنی علیرضا عزیزی و سیدضیاء هاشمی سخن می‌گفت، با تأکید بر اینکه این مراسم و کلیت این حرکت بدون یک ریال پول دولتی و حضور هیچ‌یک از دولتمردان صورت گرفته، سپهری را هنرمندی دانست که نمادی از مردم ایران بود و در قلب مردم زندگی کرد. پرویز تناولی که برای شرکت در نمایشگاه به موزه گالری دیدی آمده بود، دیگر سخنران مراسم بود که از نسل طلایی فرهنگ و هنر ایران گفت؛ از خودش و سهراب سپهری که هر دو بی هیچ بوده‌اند؛ «سهراب سال‌ها از هیچستان گفت و من هیچ را ترسیم کردم». مهدی

هنر

و همگامی نشان داده‌اند و هر یک اثری مرتبط با موضوع سهراب سپهری را ارائه کرده‌اند.

درباره نقاشی‌های سهراب

سپهری کار جدی خود را در مقام نقاش با یک سلسله تصویرهای برگرفته و خلاصه‌شده از طبیعت آغاز کرد. نخستین آبرنگ‌ها و گوش‌های او را می‌توان بازنمایی لحظه‌های تجربه شاعرانه در جهان اشیا دانست. حرکت آزاد و شتابان قلم‌مو، درهم‌شدن رنگ ماده، تأکید بر تباین‌های رنگی و استفاده از عوامل تمرکزدهنده در فضای دوبعدی (مثلاً، یک رنگ سرخ به نشانه لاله آتشین)، ازجمله مشخصات آثار او هستند و اثرپذیری از نقاشی انتزاعی مکتب پاریس را نشان می‌دهند. باین‌حال، تلاشی آگاهانه برای تلفیق سنت‌های شرقی و غربی و کوششی برای دستیابی به شیوه‌ای مستقل و شخصی نیز در این آثار مشهود است.

گروهی نیز حتی در «نقاش» بودن سپهری تردید می‌کنند. سپهری اما آثری از این نظرهای جورواجور و خرده‌گیری‌ها راه خود را رفته است. او بر آن است: «من به عقیده این و آن کاری ندارم. به حقایق تاریخ هنر نیز علاقه‌ای نشان نمی‌دهم. به یک تابلو همان‌طور نگاه می‌کنم که به یک سنگ یا درخت. آنچه در یک اثر هنری می‌جویم، حالت آن است».

راز نقاشی‌های سپهری را باید در وابستگی جنون‌آمیز او به زادگاهش کاشان دریافت. او در یکی از سفرهایش به اروپا به دوستی در ایران می‌نویسد: «در گلدان اتاق من چند شاخه شکوفه‌دار گوجه است. پیوند من با این شکوفه‌های زردسر کمی پیچیده است. برابر آنها یک تماشاگر بی‌غل‌وغش نیستم. خیال من این‌شاخه‌ها را می‌بُرد و در حیاط‌های ایران به درختی پیوند می‌زند، تا تماشای من رمز خودش را بگیرد. من روی همه نقش‌های ناشناس رنگ آشنای خودم را می‌زنم و فضاهای گمشده را گرد همه چیز می‌پرانم.

او در ایران در نمایشگاه‌هایی چون اولین دوسالانه تهران، تالار عباسی، تالار فرهنگ، نگارخانه گیل گمش، استودیو فیلم گلستان، نگارخانه نیالا، نگارخانه صبا، نگارخانه سیحون و نگارخانه مس حضور داشت. سهراب بعدها و در سفرهای مختلف به کشورهای هند، پاکستان، فرانسه، یونان، مصر، انگلستان و آمریکا آثارش را در نمایشگاه‌های بسیاری به نمایش می‌گذاشت. از تابلوهای معروف این هنرمند می‌توان به «طبیعت بیجان»، «شقایق‌ها، جوپیرا و تنه درخت»، «علف‌ها و تنه درخت»، «ترکیب‌بندی با نوارهای رنگی»، «ترکیب‌بندی با مربع‌ها» و «منظره کرمان» اشاره کرد. او نقاشی‌هایش را به خط نستعلیق امضا می‌کرد.

سهراب سپهری ۱۵ مهر ۱۳۰۷ در کاشان متولد شد. پدر و مادرش هر دو اهل هنر بودند. او در نخستین روز اردیبهشت ۱۳۵۹ بر اثر ابتلا به سرطان خون درگذشت.

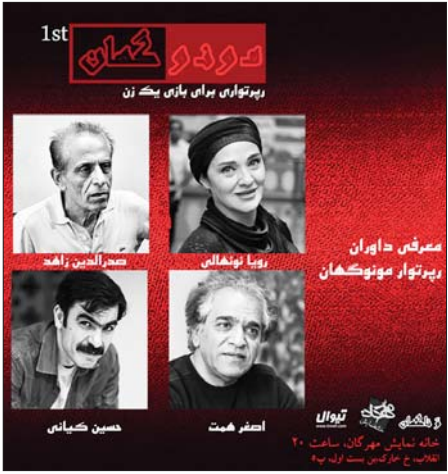
نشانی‌و زمان برگزاری

آنهایی که علاقه‌مند به دیدن این نمایشگاه هستند، می‌توانند تا ۱۵ بهمن هر روز از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۱ شب از نمایشگاه و آثار موزه گالری و سایر بخش‌های آن واقع در کیلومتر ۹ جاده محمودآباد-نور، ایزدشهر دیدن کنند.

نونه‌الی، زاهد، همت و کیانی داور رپر توار

مونوگهان شدند

اجرائی رپرتوار از گروه و ناگهان، به این شرح هستند: مجری طرح: گروه فیلم و تاتار و ناگهان»، مدیر اجرائی: نسترن طاهرا. تبلیغات مجازی: نسترن خدادوست، عکاسان: رسول نورمحمدزاده و محمد کل‌محمدی، طراح لوگو و پوستر رپرتوار: پانته‌آ قاسمی، ساخت تیزر: علی ضیاسعیدی و سرپرست گروه: روزبه حسینی.



گفتنی است نمایش «اتاق آخر»، نوشته امیرحسین ناظری، به کارگردانی صبا آزادی، به‌عنوان نخستین نمایش رپرتوار و ناگهان، شنبه ۵ آبان ۹۷، ساعت ۲۰ در تماشاخانه مهرگان سالن یکی، تنها یک‌بار روی صحنه خواهد رفت و توسط این هنرمندان صاحب‌نام و ارجمند داور خواهد شد: رؤیا نونهالی، صدراالدین زاهد، اصغر همت و حسین کیانی.

دیدگاه

درمبخش: سهراب فکر نمی‌کرد نقاشی‌هایش گران شود

رضا آشفته



● **کامبیز درمبخش** هنرمندی است که در نمایشگاه «من سهراب سپهری» که درحال‌حاضر در گالری موزه دیدی در ایزدشهر برگزار می‌شود، حضور دارد و سال‌ها فعالیت این هنرمند معتبر و دیدن سهراب از نزدیک شاید دلایلی باشد که به همین بهانه با درمبخش درباره سهراب سپهری و چگونگی حضورش در این نمایشگاه گفت‌وگو کرده‌ایم که می‌خوانید.

❧ **شما در نمایشگاه من سهراب سپهری چند اثر را ارائه کرده‌اید؟**

من یک اثر اهدا کرده‌ام و با توجه به اینکه سهراب به طبیعت علاقه‌مند بود، در تصویری که من شخصاً به او پرداختام دارم سهراب را نشان می‌دهم که به یک درخت خشکیده دارد مهر و محبت می‌کند و در ادامه نوازش‌های اوست که دوباره درخت سبز می‌شود و یک برگ سبز از شاخه‌های درخت بیرون می‌آید و درواقع من دارم احساسات سهراب را با همین یک برگ سبز بیان می‌کنم.

❧ **آیا با توجه به سابقه شما در زمینه کارتون می‌شود گفت که این اثر هم کاریکاتور باشد؟**

نه کاریکاتور نیست و به‌نوعی یک طرح است که دارد به بن‌مایه‌های شاعرانه و شعر نزدیک می‌شود و به‌هیچ‌وجه دیگر در آن نشانه‌ای از کاریکاتور نیست، از سوی دیگر خودم نیز در سال‌های اخیر به دنبال موضوعات این‌چنینی هستم و کمتر به کاریکاتور می‌پردازم و همواره طرح‌های متعددی را می‌کشم. ❧ **جایگاه سهراب سپهری در فرهنگ و هنر ما چگونه است؟**

سهراب جایگاه ویژه‌ای در فرهنگ و ادبیات ما دارد و همه جوان‌ها این روزها شعرهایش را به درستی می‌خوانند و بارها این شعرها در زندگی‌شان دارد تکرار می‌شود و این باعث خوشحالی است که نسل جوان شاعر بزرگی مانند سهراب را دنبال می‌کنند.

❧ **درباره جایگاه نقاشی‌ها و طراحی‌های سهراب هم برابمان بگویید؟**

زمانی که ایشان نقاشی می‌کرد هیچ‌کس و حتی خودش هم نمی‌دانست روزگاری برسد که این نقاشی‌ها به بالاترین قیمت ممکن در ایران به فروش برسند. خانوادهاش هم فکر نمی‌کردند این قیمت‌ها روزبه‌روز بالاتر هم برود. روزگاری که ما در هنرستان هنرهای زیبا تحصیل می‌کردیم، سهراب با دوچرخه‌اش به آنجا می‌آمد و به ما سر می‌زد و آن‌موقع فکر نمی‌کرد روزی نقاشی‌هایش خیلی گران شوند. الان هم اگر این آثار گران و گران‌تر می‌شوند به دلیل اسم و شهرتی است که سهراب سپهری پیدا کرده و مورد توجه بیشتر واقع شده است، نه‌اینکه بخواهم بگویم او نقاش بدی است، اما معتقدم که او در ابتدا شاعر گران‌قدری است و بعد یک نقاش و طراح است.

❧ **البته برخی معتقدند که در ابتدا نقاش است و بعد شاعر؟**

بله؛ این نظر شخصی من است و متأسفانه در ایران ما این‌طور مسائل زیاد باب شده که بعد از مرگ هنرمندان قیمت‌های آثارشان را بالاتر می‌برند. البته تا زمانی که زنده هستند کمتر چنین توجهی به آثارشان می‌شود و ای‌کاش در زمان زندگی این حمایت‌ها صورت بگیرد که بتوانند راحت‌تر زندگی کنند. متأسفانه بعد از مرگ هنرمندان برخی سعی می‌کنند از آنها چهره‌های بزرگ بسازند.

❧ **شاید در این گران‌شدن‌ها کلکسیونرها که دارندگان اصلی تابلوها هستند، بیشتر نفع می‌برند؟**
بله، از خواهر ایشان شنیدیم که می‌گفتند به یاد نمی‌آورند که سهراب این‌همه نقاشی کرده باشد و این یک مقدار شبهه‌برانگیز و مبهم است و من این گفته را تأیید و رد نمی‌کنم و درعین‌حال کارهای زیادی از او به‌جا مانده که جایگاه خودش را دارند. ای‌کاش این قیمت‌های گران در زمان حیات هنرمندان وجود داشته باشد و این‌گونه حق هنرمندان به‌هیچ‌وجه ضایع نشود.

❧ **خودتان به نمایشگاه من سهراب سپهری رفته‌اید و در جریانش هستید؟**

نه، هنوز به دلیل دل‌مشغولی‌ها و داشتن نمایشگاه خودم نتوانسته‌ام به ایزدشهر بروم، اما در سر فرصت به این نمایشگاه می‌روم. الان هم از آنجا آمدم و برای یک فیلم مستند از من مصاحبه مفصلی گرفتند و من هم نظراتم را درباره سهراب گفتم، اما باید وقت کنم که به خود نمایشگاه هم سر بزنم.

❧ **نمایشگاه خودتان پایان یافت؟**

بله با موفقیت هم تمام شد و سروصدای زیادی هم کرد و این‌بار هم مثل دیگر نمایشگاه‌ها توانستم مردم را سورپرایز کنم، چون کارهایم همیشه چیزهای جدیدی دارند و مردم از تماشایش خوشحال می‌شوند.

❧ **آیا تا پایان امسال نمایشگاه دیگری هم برگزار می‌کنید؟**

بله. اما فعلاً نمی‌خواهم درباره‌شان بگویم و فقط بگویم که در آبان‌ماه یک کتاب به نام گروه هنرهای تجسمی توسط انتشارات گویا منتشر خواهد شد که در آن تصاویری از هنرهای تجسمی مانند مجسمه، عکس و ... ارائه خواهد شد. حتما مراسم رونمایی با جشن و امضا به‌زودی برگزار خواهد شد.